



شهر غزنی در تصرف کامل طالبان

(اگر ما هم افغانستانی بودیم اسرائیل قد علم نمی کرد)

شهر غزنی در تصرف کامل طالبان
ارتش روحیه خود را از دست داده، کابل به خود می لرزد و نیروهای آمریکایی عاجز شده اند.

موضوعات:

- کماندوهای آمریکایی در تلاش های شش گانه خود برای شکستن موانع پیش از رسیدن به غزنی ناموفق بوده و 10 تن از آنها در مسیر کشته شده و لاشه 3 تانک از آنها برجای مانده است.
- مجاهدان طالبان تمام مسیرهای منتهی به غزنی را قطع کرده اند و به 210 ماشین حمل اجساد به سمت کابل

اجازه عبور داده اند.

- نیروهای ویژه آمریکایی ها در انجام عملیات هلیبرد در غزنی به شکلی شگفت انگیز شکست خورده اند.

چه کسی در غزنی حضور دارد؟ احتمال وجود افراد آمریکایی و اسرائیلی عالی رتبه بین محاصره شدگان در مقر دولت و ساختمان اطلاعات وجود دارد. و شاید همین امر دلیل بی تفاوتی نیروی هوایی آمریکا در بمباران این شهر باشد، به همراه تلاشها برای فرود نیروهای ویژه آمریکایی برای انجام عملیات نجات هنوز درگیری های سنگین در اطراف مقر فرماندار و ساختمان اطلاعات شهر در جریان است. و از اینجا شایعات و دروغ هایی که دولت کابل آنها را منتشر می کند نشأت می گیرد، که هیچ آمیدی به آزادی محاصره شدگان در آنجا وجود ندارد.

!! .. گروگان های فوق العاده . !!

آیا در میان محاصره شدگان در غزنی افراد و شخصیت های مهمی وجود دارند که سرنوشتشان به سرنوشت شهر مربوط باشد؟ که حفظ و نگهداری و سلامتی آنها ضروری بنظر برسد و آزاد کردن آنها به هر شکلی انجام گیرد و شهر مورد حمله قرار نگیرد؟

- کابل در شرایط شکننده ای قرار دارد و پس از تخریب روحیه ارتش آمریکا که به مراتب بدتر از ناامیدی موجود در میان همکارانشان در نیروهای افغانستانی است و ناتوانی پشتیبانی هوایی و زمینی آمریکا و حضور نیروهای ویژه آمریکایی، پایتخت منتظر روشن شدن سرنوشت غزنی است.

- پس از اینکه ارتش افغانستان متوجه ناتوانی آمریکایی ها در رسیدن به غزنی و عملی نشدن عملیات نجات افراد مهم شد بر ناامیدی آنها افزوده شد.

- نیروهای افغانستان بعد از فرار و خروج آمریکایی ها از افغانستان به روستاهای خود باز می گردند و باقی آنها نیز به تنهایی در مواجهه با طالبانی قرار می گیرند که روحیات آنها به مراتب قویتر شده و پیروزی های آنها در افغانستان پیش از موفقیت قریب الوقوع آنها در غزنی تکمیل شده است.

- نیروهای طالبان از شرایط بد روحی ارتش بهره برداری می کنند، از غنائم و اسلحه ها استفاده کرده و محدوده حملات خویش را گسترش می دهند. نیروهای زیادی با طالبان در ارتباط هستند، که باعث می شود بسیاری از نقاط و مراکز در ولایت غزنی در تیررس طالبان قرار گیرند.

- آیا نیروی هوایی آمریکا عملیات قتل عام غیر نظامیان در شهر غزنی را عملی می کند؟ یا دلیل به تعویق افتادن این کار مبهم بودن سرنوشت افراد مهمی است که قصد دارند نجاتشان دهند؟ آیا آمریکا واقعیت را می پذیرد و برنامه خروج سریع نیروهایش از افغانستان را ارائه می دهد چرا که در جنگ نتوانستند پیروز شوند و حتی دیگر متحدی عربی که بتواند هزینه های جنگ را بپردازد برای خود نیافته اند؟

- مجاهدان طالبان- به سه هدف مهم از عملیات توانستیم دست یابیم:

1- دستیابی به غنائم جنگی

2- آزادسازی زندانی ها

3- به نمایش گذاشتن قدرت نظامی مان

- طالبان: وضعیت ساکنین را بررسی می کند و بر اساس آن گامهای آتی را برنامه ریزی خواهد کرد.

نوشته: مصطفی حامد- ابو ولید مصری

شهر غزنی به طور کامل در اختیار نیروهای طالبان است. نیرویهای دولتی در منطقه ای بسیار کوچک (کمتر از 5% از مساحت شهر) محاصره شده اند. مقر فرماندار و ساختمان اطلاعات از جمله مهمترین مراکزی است که در محاصره قرار دارد. فعالیت های دشمن حاکی از آن است که افراد مهم (آمریکایی و

یا شاید اسرائیلی) در داخل حلقه محاصره حضور دارند. و همین امر عامل مهمی در تعیین سرنوشت جنگ غزنی است که بدون شک گامی بزرگ در راستای تعیین سرنوشت این جنگ و تاثیر آن بر تصمیم گیری در جهت منافع مردم افغانستان و مجاهدان جنبش طالبان می باشد.

دشمن در رسیدن به شهر غزنی از راه آسمان و زمین ناکام بوده است. و همچنان هر بار با شکست مواجه می شود و حتی در یک مورد هم موفق نبوده است.

روز یکشنبه قتل عام بزرگ نیروهای آمریکایی بود که قصد داشتند به شکلی خزنده و تحت پوشش نیروهای افغانستانی به سمت غزنی بروند. در مرتبه ششم مجاهدان طالبان آنها را در هنگام رسیدن به ولایت میدان وردک که در بین کابل و غزنین واقع شده است در هم کوبیدند.

حملات هوایی آمریکایی ها خسارتی به مجاهدین وارد نکرد (هواپیماها یک مغازه را مورد هدف قرار دادند که طی آن چند نفر از مردم کشته شدند!!) این حملات نتوانستند باعث شکسته شدن محاصره مقرهای حکومتی شوند. (مقر فرماندار، مقر اطلاعات و دیگری که هنوز مشخص نیست) و همچنان جنگ در اطراف آنها در جریان است و محاصره هر لحظه تنگ تر شده و مدافعان یک به یک کشته می شوند و یا از آنجا فرار می کنند.

– انجام عملیات هلیبرد به دلیل حضور چشم گیر مجاهدان و تمرکز آنها بر پشت بام های ساختمان ها در تمامی نقاط شهر و حالت آماده باش نیروها برای مقابله با هرگونه عملیات هلیبرد و یا تلاش برای نجات محاصره شدگان، بسیار سخت است.

مجاهدان طالبان توانستند در روز جمعه گذشته (10/8) یک بالگرد متعلق به ارتش خود فروخته را سرنگون کنند، و به این وسیله برای دشمن روشن شد که هرگونه تلاشی برای هلیبرد نتیجه اش انهدام کامل مهاجمین است. و اگر این کمک های نظامی فرصتی برای بازگشت به کابل داشت، فرصتهای نجاتشان در محاصره غزنی به کلی از بین رفت چرا که این شهر کاملاً آگاهانه و با اطلاعات کافی توسط مجاهدین طالبان از درون و بیرون محاصره شده است. حتی آنها تعداد بحرانهایی که در ممکن است در این محاصره پیش بیاید را مشخص کرده و برای دفاع منظم نیروهایی را در بخش های دیگر در خارج شهر به صورت آماده باش قرار داده اند.

گروگان های فوق العاده:

احتمال قوی افراد مهمی در غزنی وجود دارند که باعث شده سرنوشتشان با سرنوشت شهر به طور کامل گره بخورد.

و احتمالاً اینها در شهر پراکنده هستند و نه فقط در داخل مقر فرماندار و ساختمان اطلاعات چرا که اگر فقط در این دو مکان بودند نیروهای هوایی آمریکایی در ویران کردن مناطق وسیعی از شهر و اطراف آن درنگ نمی کردند.

و همین باعث شده است که احتمال حضور آنها در بیش از یک نقطه از شهر وجود داشته باشد. و البته این موقعیت ها سری هستند و مجاهدان از آنها اطلاع ندارند. و یا اینکه مجاهدان توانسته اند محل های آنها را کشف کرده و پس از دستگیری آنها را به مکان های دیگری منتقل نمایند، که ممکن است هر محلی در داخل شهر و یا اطراف آن باشد. به همین دلیل است که دشمن تا به این لحظه از استفاده از ماشین قلع و قمع هوایی خود تا زمان دستیابی به موقعیت های آن افراد و یا اطمینان از سرنوشت آنها صرف نظر کرده است. مطمئناً اینها افراد بسیار مهمی هستند، آنقدر که ممکن نیست غیر از اسرائیلی ها و یا افراد مهم آمریکایی افراد دیگری باشند.

- در حال حاضر جلوگیری از رسیدن کمک های زمینی به شهر از عمده فعالیت های مجاهدین است. که توانسته اند شش تلاش آمریکا از سوی کابل را ناکام بگذارند. و تمامی راههای مواصلاتی به غزنی و دیگر ولایات توسط نیروهای طالبان مسدود شده است.

- روز یکشنبه خسارت ها و تلفات تجهیزاتی و انسانی آمریکایی هایی که در مسیر کابل بودند غیر عادی بود. در هر بار شکستی سنگین تر از قبل و بسیار ضعیفتر و روسیاهتر از همکاران افغانستانی خود متحمل می شوند. آنان که عملکرد نیروهای آمریکایی باعث افزایش ناامیدی شان شده است حتی با استفاده از وسائل و تجهیزات مدرن در دستیابی به اهداف ساده خود دچار عجز و ناتوانی شده اند.

- ارتباطات نظامی برای عملیات های نیروهای طالبان در سرتاسر کشور باعث سست شدن اراده نیروهای محلی ارتش در دفاع شده که در نتیجه موقعیت های آنان به آسانی سقوط می کنند.

- و ارتباطات سربازان ارتش و پلیس در مورد جنبش طالبان برای ریزنی ها و برای انجام عملیات مشترک و یا تسهیل فرار بعد از تسلیم اسلحه ها و تجهیزات بالا گرفته است. سرباز ها به طور کلی روحیه خود را از دست داده اند و علاقه آنها برای بازگشت به روستاهایشان افزایش یافته و برایشان مسجل شده که نتیجه جنگ شکست است و نیروهای آمریکایی در جنگ قابل اعتماد نیستند و اینکه آمریکایی ها آماده فرار از کشور می شوند و به همین دلیل مگر در موارد جزئی و بی انگیزه می جنگند. و سرباز افغانستانی می بیند که سرنوشتش در نهایت با روستا و وطنش گره خورده است.

- گفتگوهای سربازان با مجاهدین طالبان در سه روز آتش بس عید فطر گذشته برای آن ها روشن ساخت که تصوراتشان اشتباه بوده و می بینند که جنبش طالبان بسیار اهل مسامحه است و اعضای این جنبش دوستان خود آنها در روستاهایشان هستند و در صورت بازگشت با روی گشاده به آنها خوش آمد گفته خواهد شد.

- حادثه ای در شمال: دو جوان یکی از جنبش طالبان و دیگری داوطلب در ارتش دولت. در روستایی -پیش از آتش بس- با یکدیگر درگیر می شوند و از پشت بام خانه ها تبادل آتش صورت می گیرد. تا اینکه بزرگان روستا وساطت می کنند و جنگ بر اساس این عقیده که مردم افغانستان همگی یکی هستند و ماندنی و کفر از بین رفتنی است صلح برقرار می کنند. و این قاعده امروز نیز جاری است چرا که سربازان فوج فوج به سمت روستاهایشان از جنگ های دائم فرار می کنند و ارتش در حال سقوط و هیبت اشغالگر در حال اضمحلال و فروپاشی است و رحمت مجاهدان طالبان در حال ظهور، و همچنین با نزدیک شدن عید اضحی که در آن طالبان- و امارت اسلامی- در آن پیروز و مورد تایید بی سابقه

مردم در داخل و خارج افغانستان قرار خواهد گرفت.

– آنچه که در غزنی تا به امروز اتفاق افتاده تاثیر بسزایی بر جو حاکم در حج امسال خواهد داشت. باعث ایجاد ترس و دلهره در مقامات سعودی خواهد شد تا از دعا کردن برای یک دسته از حجاج ترس داشته باشند (برای یاری مجاهدین در افغانستان و فلسطین و در همه جا) – همانطور که شیوخ شیطان به حرمت این دعا فتوا داده اند همانگونه که بر حرمت دعا برای حزب الله در طول جنگش با یهودیان در جنوب لبنان و در سال 2006 فتوا دادند.

سعودی حرکت جنگ دینی علیه جنبش طالبان بوسیله علماء بد و قاطران فتوادهنده ای را آغاز کرده است که داعیه رسیدن به صلح با اشغالگری آمریکا را دارند، و دعوت بعدی برای صلح با یهود و تقدیم فلسطین به آنها را در دستور کار دارند. و میلیونها دلار پول به گردهمایی های فتنه گر از ازبکستان تا مالزی و اندونزی و کابل هدیه داده است. این پیروزی های مجاهدین در افغانستان همانگونه که آمریکا را اذیت می کند سعودی ها را نیز آزار می دهد.

– غنائمی که مجاهدین توانستند در غزنین به دست آورند از وصف خارج است. و عملیات خارج سازی و توزیع آن در مراکز امن به صورت شبانه روزی انجام می گیرد که در میان آنها وسائل نقلیه هامر و ماشین های رنجر و انواع و اقسام اسلحه ها به تعداد بالا وجود دارد.

– پس اگر صحبت در هنگام فتح ولایت فراه (در 13 می گذشته) درباره یک و نیم میلیون دلار بوده است – براساس گفته مسئول دولتی – اکنون و با غنائمی که از غزنی به دست آمده است صحبت از ارقامی بالاتر از ده ها میلیون دلار در میان است.

گام های حمله به شهر غزنی:

گام اول:

1- تسلط مجاهدان بر فرودگاه قدیمی شهر – نیروهای مدافع آن را نابود کرده و بر مقادیر عظیمی از ذخائر و اسلحه و مهمات دست یافتند. (در فرودگاه 20 دستگاه اتومبیل رنجر آتش گرفت و 20 تن از سربازان کشته و بسیاری نیز مجروح شدند، غیر از آنانی که فرار کردند مانند سربازان فرودگاه که در همان ابتدای امر فرار کرده و نیروهایی را که در سرنوشت تاریکشان وارد شده بودند را ترک کردند.

– ارتش فراری و رها سازی فرماندهی میدانی خود، و از دست رفتن فرماندهان عالی رتبه در کابل که بین آنها آمریکایی و افغانستانی نیز بودند، به فرماندهی نظامی مقتدر نیروهای طالبان در غزنی این اجازه را داد تا مراکز مهمی از شهر را تصرف کرده و با سرعت زیاد مراکز قدرتمند معروفی را از دست دشمن بگیرد.

گام دوم :

2- حمله به مراکز بسیاری همچون زنجان، ناوه، جنگو، رشیدان و خوجیانی که در کمربند سبز ولایت غزنی قرار داشتند. و در خارج از این محدوده فتح مراکز بلانسیه و بندر کوهنه قندهار نیز صورت گرفت. تعداد زیادی از مدافعین این مراکز کشته و غنائم بسیاری از مهمات و اسلحه از آن به دست آمد.

گام سوم:

3- حمله به قلعه های نظامی مهمی که بر روی تپه های مشرف به شهر غزنی واقع شده بود از جمله قلعه نو و قلعه شاده و موقعیت های نظامی دیگر انجام شد.

گام چهارم :

4- در داخل شهر مجاهدان توانستند بر ساختمان دولتی مسلط شده و از آنجا بود که عملیات بزرگ داخل شهر آغاز شد، و به مرکز نظامی مهمی به نام مرکز الکمندن عبد الرؤوف وارد شدند و 8 تن از سربازان آن را به اسارت گرفتند.

جنگ در داخل شهر سرشار از مانورها و تاکتیک های جنگی بود که جنگجویان طالبان از آن استفاده کردند. به عنوان نمونه در شب شنبه (تاریخ 11/8) مجاهدان توانستند ساختمان فرماندهی امنیتی را شبانه پاک سازی نمایند. و هنگامی که سربازان دشمن بار دیگر به ساختمان بازگشتند مجاهدان آنها را محاصره کرده و تعداد زیادی از آنان را کشتند و دوباره ساختمان را به تصرف خود در آوردند.

- آمریکایی ها نیز در هنگام تلاششان برای نجات محاصران با عملیات هلیبرد به دام افتادند و متوجه شدند که وضعیت بیش از آنی که فکر می کردند سخت است و دست از پا درازتر بازگشتند. کسانی که از برخی مواضع در خارج از شهر محافظت می کردند به محض دعوت مجاهدین طالبان تسلیم شدند. همانطور که این اتفاق در منطقه (پهلوی جنگ) افتاد و سربازان سلاح های خود را بر زمین گذاشتند و عفو در مورد آنها صورت گرفت.

- در تمامی درگیری ها تا به امروز (دوشنبه) 16 شهید و 21 مجاهد مجروح برجای مانده است. در این میان دشمن 266 کشته و 78 زخمی داشته است. خیابان ها و کوچه ها مملو از اجساد آنها بود.

- یکی از فرماندهان مهم آنها به نام جهانگیر دچار جراحت های عمده ای شد. شهرت ارتش افغانستان در آن مناطق بر نام های بزرگی بود که مردم به خاطر خشونت شدید از آنها هراس داشتند، و کشته شدن آنها و یا فرارشان به همان مقدار تاثیر معکوس بر مردم داشته است.

- در حال حاضر طالبان و فرماندهانشان وضعیت را با دقت دنبال می کنند، و معتقدند که منافع مردم و سلامت آنها در اولویت قرار دارد. و گام های بعدی بستگی به شرایط میدانی در غزنی و دیگر مناطق دارد.

– ولایت غزنی دارای مساحت بسیار بزرگی است که بیشتر آن صحرا است و علاوه بر تاریخ باستانی آن، ارزش تجاری و سیاسی بسیار زیادی دارد. دلایل نظامی و فاصله کم این شهر از پایتخت (150 کیلومتر) باعث شده است که پایتخت نیز در حال حاضر دچار بحران سیاسی و امنیتی شدیدی شود و شرایط آمریکایی ها در کابل شبیه وضعیتشان در ویتنام پیش از حمله شورشیان است.

طالبان اکنون در اوج قدرت و اعتماد به پیروزی قرار دارند، و همچنین ملت افغانستانی که این احساس بزرگ پیروزی و نزدیک بودن آزادسازی کامل کشور را بعد از 17 سال سیاهی کامل که مجرمان آمریکایی بر افغانستان مستولی کرده بودند، حس می کنند.

– خاطرنشان می کنیم که در هنگام جهاد علیه شوروی هجوم مهمی به کابل صورت نگرفت بلکه سقوط بعد از یک شکاف جدی و خطرناک صورت گرفت. بعد از تهاجم مجاهدین به شهر خوست، سپس مذاکره برای تسلیم در شهر گردیز، و پیش از دستیابی به توافق، شهرهای مهمی با فاصله کمی از یکدیگر سقوط کردند، تا آنجا که کابل نیز سقوط کرد. و این اتفاقات تنها در چند روز صورت گرفت. شهرهای بزرگ یکی پس از دیگری دومینو وار سقوط می کردند. و شاید اگر ما نیز بر همین اسلوب حرکت کنیم، شاهد سقوطهای مشابه کارتهای دومینو در افغانستان باشیم. پیش از آنکه آمریکایی ها راهی برای فرار پیدا کنند.

نوشته:

مصطفی حامد – ابو ولید مصری

منبع:

سایت سیاسی مافا (ادبیات ممنوعه)

www.mafa.world/fa